

## رابرت وانوی، تاریخ عهد عتیق، درس ۱۳

### پیدایش ۴-۵

... د. پیدایش ۴-۵

#### فناوری پیش از طوفان نوح یا فناوری قبل از طوفان نوح ۲.

شروع می‌شود. پایین صفحه ۲ و D ما هنوز در پیدایش فصل ۴ و ۵ هستیم که با حرف بزرگ این است: «فناوری پیش از طوفان نوح یا فناوری قبل از طوفان نوح». تعدادی از موارد D. شماره ۲ زیر ذکر شده در پیدایش فصل ۴ قابل توجه است. از دیدگاه نسل بسیار اولیه نژاد بشر، کارهای خاصی انجام می‌شد که معمولاً تا مدت‌ها بعد در تاریخ بشر از نظر علمی توسعه یافته تلقی نمی‌شوند. به عنوان مثال، در دو آیه اول که در آیه ۲ می‌خوانید: «هابیل گوسفندان را نگه می‌داشت و قابیل کشاورز زمین بود.» بنابراین شما اهلی کردن حیوانات و فعالیت‌های کشاورزی را دارید. به عبارت دیگر، این افراد زمین را شخم می‌زدند. آنها فقط شکارچی و گردآورنده نبودند که میوه‌ها و چیزهایی را که می‌توانستند به طور طبیعی از آنها بگیرند، جمع می‌کردند، بلکه در واقع کشت می‌کردند.

وقتی به پیدایش ۴:۱۶ می‌رسید و به دنبال آن، جایی که نسل قابیل شرح داده شده است، در آیه ۱۷ می‌بینید که «قائن پسری به نام خنوخ داشت و شهری ساخت و نام آن را به نام پسرش خنوخ گذاشت.» بدون شک اصطلاح «شهر» آن چیزی نیست که ما معمولاً در مورد شهر در نظر داریم، اما به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که نوعی سکونتگاه دائمی از نوع روستا وجود داشته است. حال اگر به یاد داشته باشید که در فینگان خوانده‌اید، او گفته است که قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های روستایی یافت شده تقریباً ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح هستند که احتمالاً پس از سیل بوده است، اما تا آنجا که به بازه زمانی تاریخ بشر مربوط می‌شود، نسبتاً دیر است.

وقتی جلوتر می‌روید، به آیه ۲۱ نگاه می‌کنید و می‌خوانید: «بیل، برادرش یوبال نام داشت. او پدر همه کسانی بود که چنگ و نی را به کار می‌گرفتند.» پس او سازهای موسیقی داشت. بدون شک، نوعی ساز زهی، چنگ و نی نوعی ساز بادی بودند. در کتاب شاه جیمز به آن «ارگ» می‌گفتند. این به «نی» تغییر کرده است. فکر می‌کنم ارگ احتمالاً در کتاب شاه جیمز انگلیسی هم معنای متفاوتی دارد، اما در هر صورت، یک ساز بادی است.

سپس به آیه ۲۲ می‌رسیم: «ظله، توبل-قائن را به دنیا آورد، مربی هر صنعتگری در برنز و آهن و خواهر توبل-قائن، نعمه بود. برنز و آهن تنها چند نسل پس از قابیل ذکر شده‌اند. اگرچه ممکن است در این شجرنامه شکاف‌هایی وجود داشته باشد، اما شما هنوز در مورد چیزی بسیار قدیمی صحبت می‌کنید. معمولاً عصر آهن در خاورمیانه و حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح آغاز می‌شود. در واقع، اگر به تاریخ اسرائیل فکر می‌کنید، درگیری بین بنی‌اسرائیل و فلسطینیان را به یاد داشته باشید. فلسطینیان بر بنی‌اسرائیل برتری داشتند زیرا آنها فناوری ساخت آهن را داشتند و بنی‌اسرائیل نداشتند. این حدود ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰

سال قبل از میلاد است که کمی دیرتر از این است. بنابراین معمولاً عصر آهن حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و عصر مس/برنز حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است. اولین سکونتگاه روستایی حدود سال قبل از میلاد مسیح و همراه با آن کشاورزی بود. بنابراین این سوال پیش می‌آید که این موضوع ۵۰۰۰ برای این زمان کاملاً قابل توجه است، شواهد آن در بین انسان‌شناسان کجاست و... دیرینه‌شناسان؟ من فکر می‌کنم تنها پاسخ به این سوال این است: ما نمی‌دانیم. ما دقیقاً نمی‌دانیم خاستگاه این فرهنگ کجا بوده است. من فکر می‌کنم آنچه کتاب مقدس به ما می‌گوید این است که قبل از طوفان نوح، فرهنگ پیشرفته‌ای وجود داشته است، حتی اگر ما شواهدی از آن پیدا نکرده باشیم. کتاب مقدس به ما می‌گوید که اگر قبل از طوفان نوح فرهنگ پیشرفته‌ای وجود داشته، به نظر می‌رسد که پس از طوفان نوح، مدت زیادی طول کشیده تا انسان‌ها برخی از فناوری‌هایی را که قبلاً داشته‌اند، دوباره به دست آورند.

حال، کل این سوال که برخی از این تاریخ‌ها چقدر با آغاز عصر آهن مطابقت دارند، نکته‌ای است که می‌تواند مورد سوال قرار گیرد. در کتابشناسی شما، فکر می‌کنم در پایین صفحه ۹، تفسیری از اچ. استیگرز صفحه ۹۱ وجود دارد. استیگرز در آن صفحه در مورد اشاره به برنز و آهن در پیدایش ۴ بحث می‌کند و ما یادداشت‌هایی داریم که می‌گویند: «برای استفاده اولیه از آهن حتی در اواخر هزاره سوم، به منابع خاصی مراجعه کنید.» او می‌گوید: «در آسیای صغیر، یک خنجر آهنی از مقبره یک حاکم آناتولی مربوط به تا ۲۲۰۰ کشف شد.» این یک هزاره زودتر از زمانی است که معمولاً برای عصر آهن تاریخ‌گذاری ۲۴۰۰ می‌شود. «حتی در دوران‌های گذشته، هیز در کتاب «عصای مصر» کمبریج مس، ۱۹۶۰، مهره‌های آهنی را در بقایای مصر پیش از سلسله‌ها، ۴۰۰۰ تا ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد فهرست می‌کند.» بنابراین، مهره‌های آهنی ۴۰۰۰ تا ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد ممکن است نشان‌دهنده یک فناوری وارداتی مهره‌ها، یک دستاورد محلی مستقل یا یک کنجکاوی باشند. هیز مهره‌ها را دقیق‌تر از پیش از سلسله‌ها تاریخ‌گذاری نمی‌کند. این دو مورد استفاده گسترده از آهن حداقل یک یا دو هزاره قبل از ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد، تاریخ معمول آغاز عصر آهن در خاورمیانه، هستند. این باید به ما بیاموزد که در بیان اظهاراتی مانند «غیرممکن است» استفاده از این یا هر ماده دیگری احتیاط کنیم. به نظر می‌رسد که قبل از سیل نیز از آهن استفاده می‌شده است.

بنابراین، سوالی که فکر می‌کنم اینجا مطرح می‌شود، چیزی است که بعداً با جزئیات بیشتری در مورد آن بحث خواهیم کرد، و آن ماهیت ناقص شواهد باستان‌شناسی است. نتیجه‌گیری اینکه یک گزاره کتاب مقدس به دلیل فقدان شواهد تأییدکننده، مشکوک است، نادرست است. به عبارت دیگر، از نظر روش‌شناسی مشکل‌ساز است. یافته‌های باستان‌شناسی آنقدر ناقص هستند که ممکن است مصنوعاتی وجود داشته باشند که پیدا نشده‌اند و شاید هرگز پیدا نشوند، اما شاید زمانی پیدا شوند. اما صرفاً به این دلیل که شواهد ندارید، دلیلی برای مشکوک دانستن یک گزاره کتاب مقدس وجود ندارد. می‌خواستم بعداً با جزئیات بیشتری در مورد این اصل بحث کنم، اما فکر می‌کنم در اینجا کاربرد دارد. وقتی وارد دوره مردسالاری می‌شویم که شواهد

باستان‌شناسی شروع به ایفای نقش می‌کنند، به آن خواهیم پرداخت.

### ۳. نسل قابیل

آمده است: «نسل قابیل». شما این را در آیات ۱۶ تا ۲۴ از فصل D. بسیار خوب، ۳. در زیر دارید. من فقط چند آیه از آن بخش را ذکر کردم، فکر می‌کنم چیزی که هنگام خواندن کل آن بخش پیدا می‌کنید این است که بشریت در این مرحله شروع به حرکت در دو جهت می‌کند. این دو جهت چیزی است که می‌توان آن را راه قائن و راه شیث نامید. در پیدایش ۴:۱۶ تا ۲۴ به نسل قائن اشاره شده است، آیه ۲۵ از تولد شیث می‌گوید و سپس در فصل ۵ به نسل شیث می‌رسیم. بین نسل قائن و نسل شیث تضاد وجود دارد. در نسل قائن است که این اشارات به پیشرفت‌های فناوری در فرهنگ وجود دارد. در نسل شیث این اشارات وجود ندارد. فکر نمی‌کنم این بدان معنا باشد که در نسل شیث چنین چیزهایی محقق نشده است، اما فکر می‌کنم به این معنی است که در نسل شیث چیز دیگری وجود دارد که مورد تأکید قرار گرفته و مهم‌تر است و آن اهمیت تاریخی رستگاری‌بخش نسل شیث و جهت معنوی نسل اوست.

اما به نظر می‌رسد آنچه در نسل قابیل اتفاق افتاد مربوط به توسعه فناوری بود، روحیه غرور و خودکفایی که در آنها رشد کرده بود. در انتهای متن، جایی که در آیه ۲۲ می‌خوانید، این نکته برجسته شده است: «ظله، توبل-قائن را در هر صنعتگری در مس و آهن، استاد کرد. لمک به همسرانش عاده و ظله گفت: سخن مرا بشنوید. شما همسران لمک، به سخنان من گوش فرا دهید. زیرا من مردی را که مرا زخمی کرده» بود، گشتم. مردی جوان را به خاطر آسیب رساندن به من. اگر قرار است از قابیل هفت برابر انتقام گرفته شود، به راستی لمک هفتاد و هفت برابر.» (پیدایش ۲۲:۴-۲۳). لمک، مانند قابیل، گفته‌هایش در آیات ۲۳ و ۲۴، روحیه خشونت و بی‌باکی را منعکس می‌کند. ظاهراً توانایی توبل-قائن با برنز و آهن، آنها را به عنوان سلاح‌هایی در اختیار او قرار داده بود که به وسیله آنها احساس قدرت می‌کرد تا هر کسی را به مبارزه بطلبد. او این روحیه انتقامجویی را نسبت به هر کسی که کمترین توهینی به او می‌کرد، ابراز می‌کرد. او به پیشرفت‌های علمی در فناوری اعتماد دارد و روح جهان را منعکس می‌کند. همچنین توجه داشته باشید که او دو همسر دارد و این اولین اشاره به چندهمسری در کتاب مقدس است. البته، این با آرمان ازدواج تک‌همسری که در رابطه با پیدایش ۲:۲۱ و ۲۳ مورد بحث قرار دادیم، در تضاد است. بنابراین، نسل قابیل نسلی است که در آن روح جهان کاملاً مشهود است.

می‌توانم بگویم در رابطه با کل مسئله توسعه فرهنگ و فناوری. مقاله‌ای وجود مسیحیت و فرهنگ (ماخن) دارد که من در بالای صفحه ۱۰ در کتابشناسی شما توسط جی. گرشام ماخن فهرست کرده‌ام. نام آن مسیحیت و فرهنگ» است. و در جلد ۶۹ از مجموعه پرچم حقیقت است. این مقاله‌ای است که ارزش خواندن دارد. فقط به عنوان یک جهت‌گیری کلی به مسئله رابطه مسیحیت با فرهنگ. او در آنجا سه احتمال را

برای توضیح رابطه بین مسیحیت و فرهنگ مطرح می‌کند. اولین مورد این است که مسیحیت تابع فرهنگ است. به عبارت دیگر، مسیحیت محصول فرهنگ انسانی است، همانطور که می‌توان گفت سایر ادیان نیز چنین هستند. البته او این را رد می‌کند. موضع دوم، کنارگیری از فرهنگ است که در آن مسیحیان، به دلیل خطر دستاوردهای فرهنگی و دانش علمی، کاملاً از آن کناره می‌گیرند. دیدگاه سومی که او مورد بحث و توسعه قرار می‌دهد، تقدیس فرهنگ است و این همان دیدگاهی است که او از آن حمایت می‌کند. رابطه مسیحیت با فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که فرد مسیحی بسیار درگیر پیشرفت‌های علمی و فناوری باشد و آن را وقف خدمت به خدا کند، که مسئولیت انسان است. بنابراین من همین الان به آن مقاله اشاره کردم، اگرچه به طور خاص در مورد پیدایش نیست، اما به سؤال کلی در رابطه با مسیحیت و فرهنگ می‌پردازد که ممکن است بخوانید زمانی آن را بخوانید.

بیاید به ۴. «تبارشناسی شیث» برویم، که قبلاً در پیدایش تبارشناسی شیث الف. هدف و شخصیت او ۴. به آن اشاره کرده‌ام. دو نکته فرعی در برگه شما وجود دارد: الف. «هدف و شخصیت او» و سپس ب. ۵. سرنوشت او». اتفاقی که اینجا می‌افتد این است که نویسنده، پس از اینکه اصل و نسب قابیل را به شما می‌دهد» و آن را با رفتار لمک، مردی خشن، به اوج می‌رساند، به عقب برمی‌گردد و اصل و نسب شیث را برمی‌گرداند. شیث کسی است که جایگزین هابیل می‌شود. ما قبلاً در پیدایش ۵، وقتی که به طور کلی در مورد گاهشماری بدوی بحث کردیم، در مورد شجره‌نامه شیث بحث کردیم. در پیدایش ۵ هیچ مبنایی برای ساختن گاهشماری زمانی از آدم تا نوح وجود ندارد. ما طول آن فاصله را نمی‌دانیم. خب، امروز فقط همین وقت را داریم. دفعه بعد به آنجا خواهیم پرداخت.

رونویسی توسط پیتر کانگ  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط ریچل اشلی  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت